

فرصت ظهور در نگاه مورخ

○ محمد توحیدفام

عضو هیأت علمی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی

یادمان دکتر حمید عنایت، کتابی در معرفی مجموعه آثار و زندگی مرحوم عنایت یکی از خوش‌نام‌ترین اساتید علوم سیاسی ایران است که در اواخر سال گذشته توسط نشر بقیه منتشر شد. عنایت که تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و مدرسه اقتصاد و علوم سیاسی لندن به اتمام رسانیده پس از یک سال استادی در دانشگاه خارطوم با درجه دانشیاری به عضویت هیأت علمی دانشگاه تهران درآمد که بعد طی دو دوره مدیریت گروه علوم سیاسی را نیز عهده‌دار شد. وی بعدها به عضویت کادر آموزشی کالج سنت‌آنتونی در دانشگاه آکسفورد درآمد و در سال ۱۳۵۹ به عنوان دومین مدرس تاریخ مدون خاورمیانه در آکسفورد جانشین آلبرت حورانی مورخ برجسته شد. اما متأسفانه در سال ۱۳۶۱ در پنجاهمین سال زندگی‌اش به دلیل سکت قلبی درگذشت. این نخستین بار است که درباره یکی از اساتید علوم سیاسی، یادمانی به این سیاق جهت بزرگداشت یاد و خاطره او و معرفی آثارش منتشر می‌شود و به همین دلیل، انعکاس ویژه‌ای بین اهل نظر و دیگر صاحب‌نظران این حوزه علمی را به همراه داشته است. آنچه در این مختصر ارائه می‌شود، تلاشی است روشمند جهت معرفی و بررسی اثر و برخی دیدگاه‌های موجود درباره آن. امید است که این سنت حسنه در نطفه نخشکیده و در این رشته دانشگاهی و سایر رشته‌ها راه صواب را بیابد.

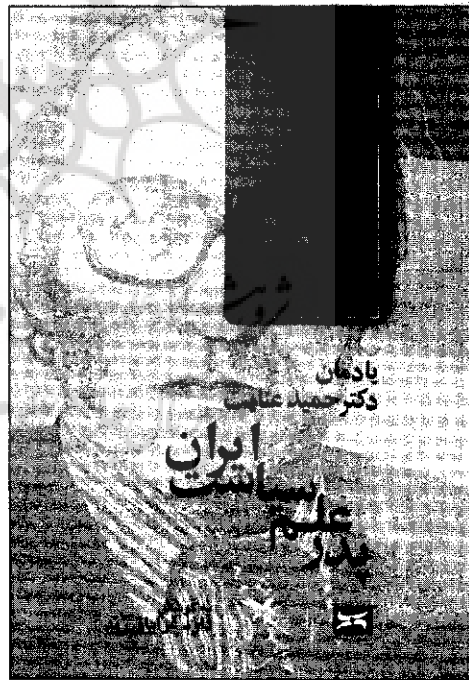
معرفی اثر

این کتاب که به کوشش آقای داود غرایاق زندگی گردآوری شده، از یک پیشگفتار، یک مقدمه، سه فصل و یک ضمیمه تشکیل شده است. فصل نخست به یادها، گفتارها و خاطراتی درباره عنایت، فصل دوم با عنوان کتابشناسی توصیفی به توصیف تألیفات و برگردان‌های عنایت، فصل سوم به مقالات تألیفی و نهایتاً ضمیمه به یکی از جزوه‌های دانشگاهی عنایت اختصاص یافته است. یادمان عنایت که در زمستان ۱۳۷۹ به همت نشر بقیه در ۵۷۰ صفحه منتشر شده است، تلاش ارزشمندی در جهت شناخت یکی از استادان علم سیاست ایران می‌باشد.

این یادمان، ضمن مجموعه خاطرات و مصاحبه‌هایی درباره عنایت، به توصیف شش کتاب با عناوین بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، جهانی از خودبیگانه، اسلام

چکیده:

«یادمان دکتر حمید عنایت پدر علم سیاست ایران»، کتابی است در معرفی زندگی و شخصیت اجتماعی او. این مقاله، نگاهی انتقادی به کتاب یادمان است و آن را از سه جهت موردنقد قرار می‌دهد: شیوه گردآوری یادمان، عنوان کتاب و انتقاداتی که بر آثار و منش وی وارد شده است. کتاب بیش از آن که به ارزیابی استادان و متخصصان این رشته منگی باشد، تنها به نگاه نویسنده آن محدود مانده و نتوانسته است از تلخیص آراء عنایت فراتر رود.



○ یادمان دکتر حمید عنایت؛ پدر علم سیاست در ایران
○ داود غرایاق زندگی (گرد آورنده مقالات)
○ بقیه
○ ۱۳۷۹، ۲۰۰۰، نسخه ۵۹۶، صفحه

و سوسیالیزم در مصر، سیری در اندیشه سیاسی عرب، شش گفتار درباره دین و جامعه، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر و هفت ترجمه با نام‌های سه داستان، سیاست، تاریخ طبیعی دین، فلسفه هگل، خدایگان و بنده، لوی استراوس، هربرت مارکوزه و سیزده مقاله با عناوین «بینش سیاسی اخوان‌الصفاء»، «انقلاب اسلامی؛ مذهب در قالب ایدئولوژی»، «تقابل افلاطون و ارسطو در اندیشه سیاسی فارابی»، «وضعیت علوم اجتماعی در ایران»، «اهمیت زبان پارسی از لحاظ علوم اجتماعی»، «ایرانیان و بربرها»، «مفهوم نظریه ولایت‌فقیه»، «موازین اخلاقی در روابط بین‌الملل»، «در حکمت تساهل»، «رابطه اختلافات فرهنگی با اختلافات بین‌المللی»، «طرح کلی نظام اسلامی (پیشگفتار)»، «مارکس و مارکسیسم (پیشگفتار)» و «تأثیر ژاپنی» پرداخته است که متن جزوه دانشگاهی عنایت با عنوان «نهادها و اندیشه‌های سیاسی در ایران و اسلام» به صورت ضمیمه حسن ختام کتاب حاضر است.

تلاش گردآورنده کتاب آن بوده است تا مجموعه آثار عنایت در چشم‌اندازی کلی در یک مجموعه به خواننده عرضه شود. البته در معرفی کتاب‌های تالیفی و ترجمه شده توسط عنایت، سعی ایشان عمدتاً در تلخیص و معرفی مختصر بوده است ولیکن درخصوص مقالات، عمدتاً اصل مقالات به طور کامل مورد استفاده قرار گرفته است و صرفاً جزوه دانشگاهی عنایت در ضمیمه کتاب به طور کامل آمده است. هرچند که در فصل مربوط به مصاحبه‌ها، سعی بر آن بوده تا تصویری از عنایت از دیدگاه دوستان و صاحب‌نظران حوزه علم سیاست ارائه شود که قطعاً در تهیه پیشگفتار و قضاوت نهایی در مورد آثار عنایت و ارائه چهره اجتماعی وی بی‌تأثیر نبوده است.

نقد و بررسی اثر

۱- یادمان‌ها و یادمان عنایت

معمولاً آنچه که در نگاه نخست از واژه یادمان به ذهن متبادر می‌شود، نوعی بزرگداشت شخصیت‌ها است؛ چه در عرصه علم و چه در سایر عرصه‌ها. در این میان ارائه دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات مختلف صاحب‌نظران درباره یک فرد و نقد و بررسی آثار و شخصیت علمی او، حد متعارفی برای این قبیل یادمان‌ها است. هرچند که ذکر خاطرات و گفتارهای همکاران و دوستان نیز می‌تواند زینت‌بخش آن

باشد ولیکن آنچه از یادمان عنایت به دست می‌آید، عمدتاً معرفی آثار و مجموعه مقالات ایشان است و اگر عنوان اثر «نگاهی اجمالی به مجموعه آثار حمید عنایت» می‌بود، زینده‌تر می‌نمود. به گونه‌ای که برخی از نویسندگان در زمان حیات خویش نیز اقدام به نشر این قبیل مجموعه‌ها نموده‌اند. البته ممکن است که فصل نخست، این تقیصه را برطرف سازد ولیکن ساختار مجموعه و حجم اندک این فصل نسبت به سایر فصل‌ها، این اشکال را همچنان باقی می‌گذارد. حتی پیشگفتار و مقدمه اثر نیز وافی به مقصود نیست، چرا که بنا به دلایلی که در سطور بعد خواهد آمد، ناگفته‌های بسیاری را باقی می‌گذارد و یا اینکه حتی این مقدمات نیز در حد برداشت کلی از این مجموعه نیز نیست. چنانچه هرکدام از آثار عنایت توسط افرادی که در زمینه مربوط، واجد صلاحیت علمی می‌بودند، به همراه یاد و خاطراتی درباره ایشان مورد بررسی قرار می‌گرفت، می‌توانست در کیفیت و ارتقاء سطح اثر بسیار مؤثر باشد و در آن صورت اطلاق نام یادمان بر آن صحیح می‌بود. و یا اینکه حداقل این یادمان می‌توانست در دو مجلد تنظیم شود؛ یک نسخه در معرفی شخصیت علمی و اجتماعی ایشان از نظر صاحب‌نظران و همکاران و یک جلد در نقد و بررسی آثار عنایت. البته این نکته از آن رو مطرح شد که تهیه یادمان توسط یک نفر، اثر حاضر را در معرض خطر نگاه یکجانبه قرار داده است و این مسأله هم در پیشگفتار و هم در مقدمه کاملاً مشهود است. به ویژه اگر ادعای گردآورنده را در مورد عنوان عنایت پدر علم سیاست ایران بپذیریم. چرا که در آن صورت بهتر بود تا آراء و نقطه‌نظرات مجموعه‌ای از صاحب‌نظران علم سیاست در این خصوص جمع‌آوری می‌شد. لذا گردآورنده با انتخاب عنوانی مناسب می‌توانست انعکاس مطلوب‌تری از این مجموعه را در بین علاقه‌مندان به عنایت و آثار ایشان شاهد باشد. کمال مطلوب اثر حاضر، «مجموعه آثار عنایت» یا مقدمه‌ای در معرفی و توصیف شخصیت ایشان است. همچنین اگر یادمان حاضر را به همین شکل پذیرا شویم، نمی‌توان از تحلیلی نبودن مقالات و تلخیص‌های آن دفاع کرد. چرا که سزاوار بود تا آثار عنایت به نوعی تحلیل و نقد و بررسی می‌شد تا آن را از حالت تلخیص محض خارج می‌ساخت. این همان ایرادی است که به عنوان مجموعه برمی‌گردد، به عبارتی شیوه و روش مورد استفاده در این کتاب بیشتر نزدیک به مجموعه آثار و مقالات است تا یادمان. در

این کتاب بیش از آن که یادمان عنایت باشد - عنوانی که نویسنده برای کتاب خود برگزیده است - معرفی آثار و مجموعه مقالات اوست

اگر آثار عنایت توسط متخصصان مختلف هر حوزه بررسی می‌شد و در کنار یاد و خاطراتی از وی منتشر می‌شد، اطلاق عنوان «یادمان» بر آن صحیح می‌بود؛ تهیه یادمان به وسیله یک نفر، اثر حاضر را در معرض خطر نگاه یکجانبه قرار داده است

سزاوار بود که آثار عنایت به نوعی تحلیل و نقد می‌شد تا این کتاب از حالت تلخیص محض خارج می‌گشت

ضمیمه یادمان نیز یکی از جزوه‌های دانشگاهی عنایت با نام نهادها و اندیشه‌های سیاسی در ایران و اسلام، تماماً پیوست شده است. این جزوه در سال ۱۳۷۷ با تصحیح و مقدمه دکتر صادق زیباکلام توسط انتشارات روزنه به چاپ رسید و معلوم نیست که چرا این جزوه که کتاب آن در دسترس همگان است در انتهای یادمان آمده است. و این روش با سیاق یادمان حاضر که به تلخیص کتابهای عنایت پرداخته است، همخوانی ندارد. حتی اگر کتاب چاپ شده دارای نواقصی باشد که البته بسیار نادر است، بهتر بود که ضمن ارائه خلاصه‌ای از کتاب به ذکر نواقص پرداخته

معلوم نیست جزو دای دانشگاهی که
کتاب آن هم اکنون در دسترس
همگان است، چرا تماماً
پیوست کتاب یادمان شده است

چرا تأسیس علمی که به قول عنایت، صد
سال از پیدایش آن می گذرد،
و قطعاً پایه های آن بر دوش بسیاری از
متقدمین بوده است، به عنایت به عنوان
«پدر علم سیاست»
نسبت داده شده است؟

نویسنده یادمان در پیشگفتار و مقدمه کتاب،
عنایت را به پراکنده کاری،
تنوع طلبی و به نوعی محافظه کاری و به
عبارتی «دلزدگی از تخصص» متهم می کند؛
مسأله این است که وقتی
ادعایی مطرح می شود، باید در جهت
اثبات آن قدم برداشت و نه نفی آن

می شد خلاصه این که افزودن جزوه یاد شده، تنها حجیم تر
جلوه دادن یادمان شده است.

با توجه به این که یادمان یک شخصیت علمی، تلاشی
است در جهت ارج نهادن به مقام علمی ایشان، لذا
مسئولین انتشار چنین مجموعه هایی همواره باید به این
نکته توجه داشته باشند که اگر جوانب مختلف تهیه و
گردآوری مطالب سنجیده نشود، ممکن است که نه تنها اثر
مثبتی در ذهن صاحب نظران از خود برجای نگذارد، بلکه به
نوعی موجب سوءتعبیرهایی نیز بشود و نیز منجر به نقض
غرض اصلی گردد که در قسمت های بعدی به پاره های از
این موارد اشاره خواهد شد.

۲- پدر علم سیاست ایران

واقعاً پدر علم سیاست ایران کیست؟ و آیا پاسخ به این
سؤال نیاز جامعه امروز ماست؟ در یادمان حاضر عنوان شده
است که عنایت پدر علم سیاست ایران است و دلایلی نیز
در پیشگفتار آمده است: از جمله نحوه تدریس و آموزش
ایشان در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران،
روش نویسندگی، بلاغت و روانی قلم و خلق و خوی و
نقش انسانی ایشان.

البته با توجه به مقام و شخصیت علمی عنایت، حتی
اگر خود ایشان امروز در میان ما بودند، بعید به نظر می رسد
که از یک چنین عنوانی استقبال می کردند. چرا که معمولاً
در هر شاخه ای از علوم یک چنین القابی برای کسانی
برگزیده می شود که سنگ نخستین آن علم را بنا نهاده اند.
عنایت در مقاله «وضعیت علوم اجتماعی در ایران» ضمن
ارائه تصویر گویایی از تاریخ تأسیس علوم اجتماعی و علوم
سیاسی در ایران، تاریخ تأسیس اولین مدرسه علوم سیاسی
را به یکصد سال قبل یعنی ۱۲۷۸ ه. ش می داند. لذا علمی
که ۱۰۰ سال از بدو پیدایش آن در ایران می گذرد، قطعاً
پایه های آن بر دوش بسیاری از متقدمین بوده است و
حداقل با توجه به مقاله ای که عنایت در این زمینه ارائه
کرده است و در این یادمان نیز اصل مقاله تماماً در آن آمده
است، می بایست که در انتخاب متن و عنوان پدر علم
سیاست کمی دقت به عمل می آمد. البته این سخن به
معنای انکار مقام ارزشمند عنایت در حیات علم سیاست
ایران نیست و بر هیچ دانش پژوه سیاسی و علوم اجتماعی
شان و مرتبه علمی عنایت پنهان نیست و تألیفات عنایت
همواره نام و آوازه او را زنده نگاه خواهند داشت ولیکن در
انتخاب القاب و عناوین باید کمی تأمل شود تا نتیجه
معکوس از آن حاصل نشود، به طوری که با توجه به اینکه
مدت زمان اندکی از چاپ این اثر نمی گذرد، مهم ترین انتقاد
وارد بر کتاب، عنوان آن است که عمده صاحب نظران این
حوزه را به تأمل واداشته است.

نهایت تلاش گردآورنده در اطلاق نام پدر علم سیاست
باید آن می بود که نه در عنوان کتاب، بلکه این مسأله را در
داخل کتاب به عنوان یک مسأله بین اساتید علوم سیاسی
به بحث می گذاشتند. نکته جالب توجه آن است که
علی رغم این ادعا که در عنوان کتاب نقش بسته است، در
پیشگفتار و مقدمه کتاب انتقاداتی به عنایت وارد شده است
که نافی و متعارض با اقدام نخست است. عنایت یک
محقق، مترجم و نویسنده برجسته علوم سیاسی در ایران
است که شاگردان و تحقیقات، ترجمه ها و مجموعه آثارش
همواره نام و یاد او را زنده نگاه خواهد داشت ولیکن در پهنه
این یکصد سال، افراد بنام و برجسته کم نبوده اند و اصلاً چه
ضرورتی دارد که برای هر علمی ما به دنبال پدر آن علم
باشیم. همین که بتوان در معرفی آنان و ارج نهادن به وی
قدمی برداشت، وافی به مقصود است. هر چند که بهترین
معرف هر شخصی، آثار و تجربه شخصیت اجتماعی اوست.

۳- تخصص یا...

یکی از نکات بسیار اعجاب انگیز در این اثر آن است که
علی رغم اطلاق لقب پدر علم سیاست به دکتر عنایت، در
پیشگفتار و مقدمه، عنایت متهم به پراکنده کاری، تنوع طلبی
و به نوعی محافظه کاری و به عبارتی «دلزدگی از تخصص»
شده است. مسأله این است که وقتی ادعایی مطرح
می شود، باید در جهت اثبات آن قدم برداشت و نه نفی آن.
آیا واقعاً می توان گفت که عنایت فردی پراکنده کار بوده

است و این پراکنده کاری و تنوع طلبی باعث شده تا عنایت
در حوزه خاصی متخصص نشود؟ آیا آثار عنایت صرفاً
توصیفاتی محض بوده است؟ و آیا می توان عنایت را فردی
محافظه کار دانست؟

۳-۱ پراکندگی

اگر دسترسی به کتابها، ترجمه ها و مقالات عنایت
کار سختی است، حداقل این مجموعه توانسته است
مجموعه آثار عنایت را در حد امکان (برخی به صورت
تلخیص و برخی عیناً) در اختیار ما قرار دهد تا بتوانیم با
مروری بر آنها به نوعی نگاه ارزیابانه به آنها دست یابیم. با
مطالعه این مجموعه می توان به این نکته رسید که عنایت
با احاطه به دانش و معارف اسلامی و نیز مبانی دانش و
اندیشه غرب، سعی نموده تا دست به ایجاد پلی ارتباطی
بین اسلام و غرب بزند و این مسأله توسط مجله کتاب
امروز در مقاله «حمید عنایت و فلسفه هگل» این چنین
مورد توجه قرار گرفته است: «اگر اشکال کار دانشمندان
نسل پیرتر در این بود که از فرهنگ مغرب زمین سردر
نمی آوردند و در برابر آن خود را گیج می دیدند، در مورد نسل
جوان اشکال کار در این است که بیشتر نمایندگان
روشنفکران، از معارف قدیم بیگانه اند. عنایت دانشمندی
است که هم با مبانی معارف قدیم آشنایی کافی دارد و هم
با محیط فرهنگی غرب».

به عبارتی عنایت در تمامی آثارش به نوعی ضمن
بهرهمندی از روش علمی و آشنایی با مبانی اندیشه
اسلام و غرب، سعی کرده تا در شناخت مسایل، از
اندوخته های معرفتی موجود، برای دنیای امروز و بیش از
آن برای ایران مدد جوید. به طوری که در مقاله «اهمیت
شناخت انتقادی ارزش های فرهنگی را ندیده گرفته ایم»
از کتاب شش گفتار درباره دین و جامعه، عنایت چنین
می نویسد: «آینده فرهنگ ایران به معنای مجموعه
اندیشه ها و هنجارهایی که رفتار اعضای جامعه ما را از رفتار
جوامع دیگر ممتاز می کند، به سه عامل وابسته است:
نخست، نفوذ فرهنگ و تمدن غربی، دوم میراث فرهنگی
ملی و سوم روش ما در چگونگی بهره مندی از این دو».
همان گونه که مشاهده می شود، عنایت توجه ویژه ای به
لایه های سه گانه فرهنگ داخلی (اسلامی - غربی و
ایرانی) دارد و به واسطه این توجه است که در اکثر تألیفاتش
سعی نموده تا ارتباط سازنده ای را بین این سه برقرار سازد.
هر چند که عنایت به غالب اندیشه های غربی آشناست
ولیکن نقطه عطف تمامی آثار عنایت، «هگل» است. چنان
که وقتی از او سؤال می شود که مایل است چه کتابی را
برای ترجمه برگزیند، او به کتاب های هگل اشاره می کند.
در عین حال به هنگام ترجمه و بررسی اندیشه های هگل،
یک چشم عنایت متوجه مسایل داخلی است. عنایت، هگل
را نه برای هگل، بلکه جهت استفاده از آموزه های فکری او
در حل مسایل داخلی مورد استفاده قرار می دهد و کفه
ترجمه هایی که او از هگل انجام داده است، نسبت به سایر

ترجمه‌هایش، سنگین‌تر است. به طور مثال وقتی که در مقاله «تأملی در معنای آزادی» از کتاب جهانی از خودبیگانه، از مفهوم آزادی مثبت و منفی سخن می‌گوید، دقیقاً سعی می‌کند تا آزادی در اسلام را هم به تصویر بکشد و از این قبیل در آثار عنایت، بسیار است.

۲-۳ توصیف‌گرایی

برخی گمان برده‌اند که آثار عنایت عمدتاً توصیفی است، ولیکن به غیر از برخی از آثار عنایت که برای قشر دانشجویان نگاشته شده است، عمدتاً از اسلوبی روشمند برخوردار بوده و درصدد تجزیه و تحلیل مسایل و وقایع برآمده است. عنایت یک استاد ممتاز دانشگاه بود و بدیهی است که طبع روانی داشته باشد، چرا که وی در درجه نخست سعی‌اش آن بوده است که نوشتارهایش قابل فهم برای دانشجویانش باشد. شاید یکی از ویژگی‌های برجسته آثار عنایت، نثر سلیس و روان آنها باشد. آنچه بیش از همه در آثار عنایت جلب توجه می‌کند، این است که این مطالب توسط یک محقق ایرانی نوشته شده است. گفتارهای عنایت درباره اسلام و غرب به گونه‌ای است که به راستی می‌توان واژه بومی کردن اندیشه‌های سیاسی را برای آثارش برگزید.

۳-۳ محافظه‌کاری

عنایت یک توصیف‌گر محض و مشاهده‌گر صرف اندیشه و عمل اسلام و غرب نبوده است و همواره سعی وی بر این بوده تا در مورد هر موضوعی دیدگاه خود را نیز ارائه نماید. همان‌گونه که در مقاله چهارم از کتاب شش گفتار درباره دین و جامعه می‌نویسد: «بیش از اقتباس هر مفهوم فرهنگی، درباره ضرورت عقلی نیازمندی خود به آن بیندیشیم و وقتی ضرورت آن را محرز کردیم با آگاهی از ماهیت و علت وجودی آن مفهوم، خود را از تسلیم کورکورانه به مفاهیم وابسته‌اش در منظومه فکری خاص غرب ایمن داریم».

همچنین مجموعه مقالات عنایت که عمدتاً انعکاسی از نظریات وی بوده است، گواه صادقی از عکس‌العمل ایشان و بی‌تفاوت نبودن وی در قبال مسایل و حوادث سیاسی روز است. از آن جمله‌اند مقالاتی که وی درباره انقلاب اسلامی و مفهوم ولایت فقیه، وضعیت علوم اجتماعی در ایران و... به رشته تحریر درآورده‌اند. حتی برخی از کتابهای وی مانند اسلام و سوسیالیسم در مصر، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، سیری در اندیشه سیاسی عرب و شش گفتار درباره دین و جامعه، نشان از حساسیت ایشان در قبال مسایل روز جهان اسلام است.

پس با توجه به نکاتی که اشاره شد، عنایت با تسلطی که به زبان‌های خارجی و عربی داشت و نیز با توجه به تخصص در حوزه اندیشه‌های اسلام و غرب (و در این میان تمرکز و احاطه‌ای که به هگل داشت)، سعی داشت تا به نوعی این مجموعه دانش و آگاهی را در رابطه با وضعیت

موجود جامعه ایران مورد بهره‌برداری قرار دهد و درحقیقت جا دارد که از ایشان و آثارش به عنوان پل ارتباطی اسلام و غرب یاد کنیم و اگر معنی تخصص این نیست، پس چیست؟ تنوع موجود در آثار عنایت، عمدتاً ریشه در تنوع رشته علوم سیاسی دارد. قطعاً در میان اندیشه‌های غرب، عنایت توجه خاصی به هگل داشت و شاید بتوان او را در رده هگل‌شناسان قرار داد ولیکن این علاقه وافر ایشان به هگل مانع از توجه عمیق و قلبی وی به مسایل ایران و جهان اسلام نشده است. چرا که وی پیوند گریزناپذیری را بین ایران و هویت اسلامی - ایرانی قایل است و در جمله آثارش سعی کرده تا به این مسأله وفادار باقی بماند و استفاده از تخصص ترجمه در برگرداندن برخی از متون هنری به زبان فارسی به هیچ‌وجه نمی‌تواند نافی این مسأله باشد. پس عنایت نه دلزده از تخصص، بلکه فی‌الواقع یک استاد واقعی علوم سیاسی است.

۴- استناد علوم سیاسی

شکی نیست که عنایت دانش سیاسی را به نحو احسن در داخل و خارج آموخت و ثمره این آموزش را در تجربه دانشگاهی خود، تبدیل به آثار و دانش‌آموختگانی جدید کرد که جملگی لب به تحسین وی گشوده‌اند. به گونه‌ای که هر یک از دانشجویان ایشان، امروز از درجه بالایی از دانش و هنر بهره‌منداند. آنچه که امروز باعث ماندگاری و جاودانگی یاد استاد شده است، عمدتاً نشأت گرفته از سبک زندگی عملی و جمله آثار وی می‌باشد. در عرصه عمل، نوع سلوک و رفتار ایشان و نیز دانشجویانی که تربیت نمود و در آثارش که پیوسته شان و مرتبه علمی را همواره مورد توجه قرار می‌داد. میهن‌دوستی و وفاداری به اسلام در غالب آثارش هویداست. علاوه بر این عنایت چه در معرفی اندیشه‌گران و چه در طرح موضوعات، نوآوری‌هایی از خود بروز داد. او از جمله کسانی است که برای نخستین بار افرادی چون مازکوزه، برلین، مک‌اینتایر را به جامعه ایران معرفی کرد و قطعاً از جمله نخستین کسانی است که در باب مفاهیمی چون تساهل داد سخن سرداد. همچنین مباحثی که عنایت درخصوص مسایل فرهنگی و هویت انجام داده است به ویژه در مقاله «اهمیت زبان پارسی از لحاظ علوم اجتماعی» از برجسته‌ترین مقالات وی بشمار می‌آید. اگر مسایل فرهنگی از اواخر قرن بیستم در جهان از اهمیت بسزایی برخوردار شده است و اگر چند صباحی است که متخصصین علوم سیاسی، به مسایل فرهنگی می‌پردازند، عنایت چندین دهه جلوتر متوجه اهمیت این مسأله بوده است به گونه‌ای که در همین مقاله می‌نویسد: «چه شد که در این عصر که اندیشه حکومت جهانی و یگانگی بشری شاید بیش از هر زمان دیگر به طور جدی مورد توجه و بحث قرار گرفته است، ملتها متوجه اهمیت زبانشان شده‌اند و به آن حساسیت و غیرت پیدا کرده‌اند. این به نظر من نشانه عکس‌العمل ملتها در برابر خطر

این مجموعه توانسته است آثار عنایت را در حد امکان (برخی به صورت تلخیص و برخی عیناً) در اختیار، قرار دهد تا بتوانیم با مروری بر آنها به نوعی نگاه ارزیابانه دست یابیم

عنایت: «آینده فرهنگ ایران...»

به سه عامل وابسته است: نخست،

نفوذ فرهنگ و تمدن غربی، دوم

میراث فرهنگی ملی و سوم روش ما

در چگونگی بهره‌مندی از این دو»

گفتارهای عنایت درباره اسلام و غرب به

گونه‌ای است که به راستی می‌توان

واژه بومی کردن اندیشه‌های سیاسی را

برای آثارش برگزید

نابودی هویتشان است... یونسکو که ظاهراً باید راه وصول به فرهنگ جهانی را هموار کند، کوشش‌های خود را براساس اعتقاد به ضرورت حفظ شخصیت فرهنگی ملت‌های گوناگون استوار کرده و در راه احیای آثار گذشته آنها کوشیده است».

عنایت نمونه یک استاد نوآور در عرصه علم سیاست ایران است که هم به سلاح علم و دانش روز مجهز است و هم به مسایل و حوادث روز توجه دارد و درصدد راهگشایی مسایل و مشکلات سیاسی است. عنایت با این روش توانست تصویری واقعی از علم سیاست در جهان معاصر، ارائه نماید. به گونه‌ای که روش او می‌تواند سرمشق بسیاری از دانش‌آموختگان و صاحب‌نظران و اساتید علم سیاست واقع شود. و این یادمان فرصت این تأمل را هرچند کوتاه در ما ایجاد می‌کند که آیندگان درباره ما چگونه قضاوت خواهند کرد. و آیا همانند عنایت ما نیز در نگاه مورخین فرصت ظهور خواهیم داشت؟